

نقش واسطه‌ای عملکرد خانواده در رابطه‌ی بین نیازهای بنیادین روان‌شناختی، انتظارات زناشویی و تعهد زناشویی

The mediating role of family function in the relationship between psychological basic needs, marital expectations and marital commitment

* Zabih Allah Khan Mohammadi¹, Saeideh Bazzazian², Mojtaba Amiri Majd¹, Mohammad Ghamari³

* سعیده بزازیان^۱، ذبیح‌اله خان‌محمدی^۲، مجتبی امیری مجد^۱، محمد قمری^۳

1. Associate Professor, Department of Psychology, Islamic Azad university of Abhar
2. Ph.D. Student, Department of Counseling, Islamic Azad university of Abhar
3. Associate Professor, Department of Counseling, Islamic Azad university of Abhar

- ۱- دانشیار، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر
- ۲- دانشجوی دکتری، گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر
- ۳- دانشیار، گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر

Abstract

Marital commitment has been recognized as a significant factor in the development and continued stability of marriage and family. The aim of the present study was to investigate the mediating role of family function in the relationship between psychological basic needs, marital expectations and marital commitment.

This was a correlational research based on structural equation modeling. 248 married women (age 25-50) in abhar city who participated in family education classes were selected by random sampling and completed Basic Needs Satisfaction in General Scale (BNSG-S), Family Assessment Device (FAD), Marital Expectations (MEQ) and Marital Commitment Questionnaires (MCQ).

The results showed a significantly positive correlation between psychological basic needs and marital expectations with marital commitment. Correlation between family function and marital commitment was significant and negative. Also, psychological basic needs and family function was correlated and significantly negative. The path analysis results showed that marital expectations directly affect marital commitment. Psychological basic needs both directly and indirectly affect marital commitment through family function. It also was cleared that family function is effective on marital commitment.

The research model was confirmed. So, it can be concluded that the relationship between psychological basic needs and marital expectations with marital commitment is not liner and family function could moderate this relationship.

Keywords:

Psychological basic needs, Marital expectations, Family function, Marital commitment

چکیده

تعهد زناشویی به‌عنوان عامل مهمی در توسعه و پایداری تداوم ازدواج و خانواده شناخته شده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌ای عملکرد خانواده در رابطه‌ی بین نیازهای بنیادین روان‌شناختی، انتظارات زناشویی و تعهد زناشویی انجام شد.

این پژوهش از نوع پژوهش‌های همبستگی مبتنی بر روش مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. از بین کلیه‌ی زنان متأهل شرکت‌کننده در کلاس‌های آموزش خانواده در شهر ابهر که در محدوده‌ی سنی ۵۰-۲۵ قرار داشتند، ۲۴۸ نفر به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند و مقیاس نیازهای بنیادین روان‌شناختی (BNSG-S)، ابزار سنجش خانواده (FAD)، پرسشنامه‌های انتظارات زناشویی (MEQ) و تعهد زناشویی (MCQ) را تکمیل کردند.

نتایج پژوهش نشان داد که بین نیازهای بنیادین روان‌شناختی و انتظارات زناشویی با تعهد زناشویی همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد. همبستگی بین عملکرد خانواده و تعهد زناشویی منفی و معنادار بود. همچنین رابطه‌ی نیازهای بنیادین روان‌شناختی و عملکرد خانواده منفی و معنادار بود. نتایج تحلیل مسیر نشان داد که انتظارات زناشویی به‌طور مستقیم بر تعهد زناشویی تأثیر دارد. نیازهای بنیادین روان‌شناختی هم به‌طور مستقیم و هم به‌طور غیرمستقیم از طریق عملکرد خانواده بر تعهد زناشویی تأثیرگذار بود. همچنین مشخص شد که عملکرد خانواده بر تعهد زناشویی تأثیر دارد.

یافته‌ها مدل پژوهش را تأیید کردند؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که رابطه‌ی نیازهای بنیادین روان‌شناختی و انتظارات زناشویی با تعهد زناشویی یک رابطه‌ی خطی و ساده نیست و عملکرد خانواده در این رابطه نقش واسطه‌ای دارد.

کلیدواژه‌ها:

نیازهای بنیادین روان‌شناختی، انتظارات زناشویی، عملکرد خانواده، تعهد زناشویی

* نویسنده مسئول: سعیده بزازیان

نشانی: ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، گروه روانشناسی

تلفن: ۰۹۱-۲۵۳۴۳۲۴۶ (+۹۸)

پست الکترونیک: sbazzazian@gmail.com

مقدمه

تعهد زناشویی^۱ به عنوان یکی از مهم‌ترین متغیرهایی است که در سال‌های اخیر در حوزه‌های مطالعاتی خانواده و ازدواج، توجه زیادی به خود معطوف کرده است (آدامز و جونز، ۱۹۹۷؛ کلمنتس و اسوینسن، ۲۰۰۰). آریاجا و آگنیو (۲۰۰۱) تعهد زناشویی را به معنای گرایش فرد برای حفظ دائمی ازدواج و وفادار ماندن به همسر، خانواده و ارزش‌ها تعریف کرده‌اند و آن را دربرگیرنده‌ی اجزای رفتاری، شناختی و عاطفی دانسته‌اند. مطابق مدل آدامز و جونز (۱۹۹۷) تعهد زناشویی مشتمل بر سه بُعد تعهد نسبت به همسر (تعهد شخصی)، تعهد نسبت به ازدواج (تعهد اخلاقی) و محدودیت اجتماعی (تعهد ساختاری) است. موسکو (۲۰۰۹) معتقد است تعهد زناشویی، نیرومندترین و پایدارترین عامل پیش‌بینی‌کننده‌ی کیفیت و پایداری رابطه زناشویی است و تعهد پایین زوجین نسبت به یکدیگر با آشفتگی رابطه‌ی آن‌ها مرتبط است. پژوهش‌ها (زارعی و حسینی، ۲۰۱۴؛ شاه سیاه، بهرامی و محبی، ۲۰۰۹؛ موسکو، ۲۰۰۹؛ میچر، ۲۰۱۳؛ هارمون، ۲۰۰۵) نشان داده‌اند که تعهد زناشویی به عنوان یک متغیر مهم پیش‌بینی‌کننده‌ی حفظ و تداوم زندگی مشترک می‌باشد. همچنین نتایج پژوهش‌ها نشان داده است که سطوح بالاتر تعهد زناشویی با ابراز عشق بالا (کلمنتس و اسوینسن، ۲۰۰۰) و نگرش منفی به خیانت (یوسفی، کریمی پور و امانی، ۲۰۱۶) و کیفیت و ثبات زناشویی (جان، سم، رورو و تسویی، ۲۰۱۷) در ارتباط است.

یکی از مهم‌ترین متغیرهای مرتبط با تعهد زناشویی، نیازهای بنیادین روان‌شناختی^۲ است. دسی و رایان (۲۰۰۲) در چهارچوب نظریه خودتعیینی گری^۳ معتقدند که حمایت از نیازهای بنیادین روان‌شناختی برای بهزیستی و رضایت از زندگی همه‌ی افراد ضروری است. نظریه‌ی خودتعیینی گری نظریه‌ی کلان درباره‌ی انگیزش، هیجان و رشد انسان است و به عواملی توجه می‌کند که فرایندهای مربوط به خودشکوفایی در انسان‌ها را بازدارد یا تسهیل می‌کنند. اساس این نظریه را نیازهای بنیادین روان‌شناختی تشکیل می‌دهند که به عنوان انرژی لازم برای کمک به درگیری فعال با محیط، پرورش مهارت‌ها و رشد سالم در نظر گرفته می‌شود (دسی و رایان، ۲۰۱۱). نظریه‌ی خودتعیینی گری سه نیاز خودپیروی^۴، شایستگی^۵ و تعلق^۶ (پیوستگی) را بنیادین می‌داند (دسی و رایان، ۲۰۰۰). این نظریه فرض می‌کند زمانی که فرد از سوی محیط اجتماعی حمایت می‌شود و

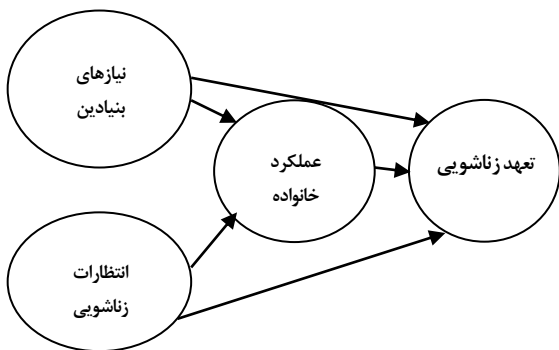
نیازهای بنیادین خودپیروی، شایستگی و تعلق ارضا می‌شوند، فرد طبیعتاً به سوی رشد و شکوفایی حرکت می‌کند (کول، شلینکرت، مالدی و بایومن، ۲۰۱۸). براساس یافته‌های پژوهشی، ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی موجب رضایت از زندگی و بهزیستی بالای افراد می‌شود (شلدون و نیمیک، ۲۰۰۶) و با رضایت از زناشویی رابطه دارد (بشارت، هوشمند، رضازاده و لواسانی، ۲۰۱۵). برخی مطالعات ارتباط نیازهای بنیادین روان‌شناختی را با متغیرهای زناشویی نشان داده‌اند. به عنوان مثال اجتهادی و واحدی (۲۰۱۶) دریافتند که سه متغیر تعهد زناشویی، کیفیت جایگزین و ارضای نیازها به ترتیب بیشترین تأثیر را در تبیین پتانسیل خیانت داشته‌اند. پژوهش براوو و لمپکین (۲۰۱۰) نشان داد که یکی از مهم‌ترین عوامل اختلافات زناشویی، نیازهای برآورده نشده‌ی زوجین است. همچنین نتایج پژوهش بشارت، رامش و رضازاده (۲۰۱۵) نشان داد که ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی با سازگاری زوجین رابطه‌ی مثبت معنادار دارد. پژوهش‌های متعددی نیز نشان داده‌اند که بین ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی و رضایت زناشویی رابطه وجود دارد (جلیلی راد و محمد نامعی، ۲۰۱۴؛ دسی، لاگاردیا، مولر، شینر و رایان، ۲۰۰۶). از سوی دیگر پژوهش بهمهانی و زرگر (۲۰۱۵) و ایتو و ساگارا^۷ (۲۰۱۶)، نقل از ملک آسا، سید موسوی، صادقی و فلاح پیشه، ۲۰۱۷) نشان دادند که رضایت زناشویی پیش‌بینی‌کننده‌ی قوی تعهد زناشویی است.

متغیر دیگری که پیش‌بینی می‌شود بر تعهد زناشویی مؤثر باشد، انتظارات زناشویی^۸ زوجین است. بر اساس نظر لاورنس، نیلن و کاب (۲۰۰۷) انتظارات به افراد اجازه می‌دهند در مواجهه با موقعیت‌ها و افراد جدید، وقایع را درک، پیش‌بینی و کنترل نمایند. در واقع انتظارات زناشویی یکی از پنج پدیده‌ی شناختی (انتظارات، ادراکات، اسنادها، استانداردها و فرضیات) است که با تحریف در آن (نادرست و افراطی شدن) درآشفتگی زناشویی سهیم می‌شود (باکوم و اپستین^۹، ۱۹۹۰؛ به نقل از شارپ و گانتگ، ۲۰۰۰). انتظارات افراد درباره‌ی یک رابطه‌ی عاطفی و عاشقانه و میزانی که این انتظارات واقعاً تحقق می‌یابند، یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های مهم پیامدهای رابطه‌ی زناشویی است (ونیر و اسالیوان، ۲۰۱۷). میزان برآورده شدن انتظارات و خواسته‌های هریک از زوجین، می‌تواند مبنای رضایت از زناشویی قرار گرفته و فاصله‌ی بین واقعیت و انتظارات از زندگی نیز می‌تواند توجیهی را برای میزان رضایت همسران از رابطه‌ی زناشویی فراهم کند (میلر و تدر، ۲۰۱۱). کنی و اسیتلی^{۱۰} (۲۰۰۱)، به نقل از میلر و تدر، (۲۰۱۱)

1. Marital commitment
2. Psychological basic needs
3. Self-determination theory
4. Autonomy
5. Competence
6. Relatedness

7. Ito & Sagara
8. Marital Expectations
9. Baucom & Epstein
10. Kenny & Acitelli

نیازهای بنیادین روان‌شناختی، انتظارات زناشویی و عملکرد خانواده بر تعهد زناشویی تأثیر دارند؟ (۲) آیا عملکرد خانواده در رابطه‌ی بین نیازهای بنیادین روان‌شناختی، انتظارات زناشویی و تعهد زناشویی نقش واسطه‌ای دارد؟ (تصویر ۱).



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش

پژوهش حاضر با توجه به هدف آن، از نوع تحقیقات بنیادی و از لحاظ شیوه‌ی گردآوری داده‌ها، به صورت مقطعی و تحلیل آن‌ها به روش توصیفی و از نوع طرح‌های همبستگی مبتنی بر روش مدل‌یابی معادلات ساختاری^۲ بود. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر شامل کلیه‌ی زنان شرکت‌کننده در کلاس‌های آموزش خانواده در شهر اهر بود. در پیشینه‌ی مربوط به الگویابی معادلات ساختاری، برای تعیین تعداد حجم نمونه‌ی کافی پیشنهادی ارائه شده است. از نظر آندرسون و گرینگ^۳ (۱۹۸۸)، حجم نمونه دست کم ۱۵۰ نفر و از نظر چو و بنتلر^۴ (۱۹۹۵) ۲۰۰ نفر است. گیلز^۵ (۲۰۱۳) حجم نمونه‌ی قابل قبول برای انجام تحقیقات همبستگی را ۱۵ تا ۲۰ نفر برای هر رابطه‌ی همبستگی، پیشنهاد داده است. از آنجاکه در پژوهش حاضر ۶ رابطه‌ی همبستگی مورد بررسی قرار گرفت، ۲۶۰ نفر که به صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند، حکایت از حجم کافی برای نمونه‌ی منتخب دارد. پس از جلب رضایت و همکاری شرکت‌کنندگان، از آن‌ها خواسته شد که مقیاس نیازهای بنیادین روان‌شناختی^۶، ابزار سنجش خانواده^۷ و پرسش‌نامه‌های انتظارات زناشویی^۸ و تعهد زناشویی^۹ را تکمیل نمایند. تعداد ۱۲

براین باور هستند که انتظارات صحیح، موجب می‌شود افراد نیازهای شریک زندگی خود را به‌درستی ارزیابی کرده و رفتارهای یکدیگر را پیش‌بینی کنند. در نتیجه احساس کنترل، پیش‌بینی‌پذیری و امنیت در آن‌ها پرورش یافته، به تعاملات سازگار و سطوح بالایی از رضایت و تعهد زناشویی منجر می‌شود. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که عدم تحقق انتظارات زناشویی و نیز عدم تناسب این انتظارات با واقعیت‌های رابطه‌ی زناشویی منجر به سردی روابط عاطفی و ناراضی‌ت زناشویی می‌شود (فاور، متل و السون، ۱۹۹۶؛ مک نالتی، ۲۰۰۷) و ناراضی‌ت زناشویی یکی از عوامل مهم کاهش تعهد در روابط زناشویی است (اشمیت، گرین و پراتی، ۲۰۱۶؛ براوو و لمپکین، ۲۰۱۰؛ حبیبی عسگرآباد و حاجی حیدری، ۲۰۱۵؛ هو، جیانگ و وانگ، ۲۰۱۸).

از سوی دیگر، یکی از عواملی که در بروز تعارضات زناشویی و در نتیجه، کاهش تعهد زناشویی نقش مهمی ایفا می‌کند، ناکارآمدی عملکرد خانواده^۱ است. عملکرد مطلوب خانواده تأثیر مستقیمی بر نیازها، اهداف، روابط عاطفی خانواده و رضایت‌مندی از زندگی داشته (میلر، رایان، کینتر، بیشاب و ایستین، ۲۰۰۰) و با رضایت زناشویی ارتباط دارد (عباسی اسفجیر و رمضانی، ۲۰۱۷). مطالعات نشان می‌دهد که عوامل فردی، زوجی و محیطی مختلفی بر تعهد زناشویی تأثیر می‌گذارند. در میان عوامل زوجی، تعارض میان زوجین، رضایت زناشویی و عشق، از منابع مهم تأثیرگذار بر تعهد هستند (ایتو و ساگارا، ۲۰۱۶، نقل از ملک آسا و همکاران، ۲۰۱۷). همچنین الگوهای تعاملی و ارتباط مناسب زوجین یکی از عواملی است که بر تعهد زناشویی تأثیر می‌گذارد (مسترز، ۲۰۰۸). در روابطی که افراد آن را منبعی از عاطفه‌ی مثبت ارزیابی می‌کنند، تعهد افزایش پیدا می‌کند (گیورترز، سگرین و هانزال، ۲۰۰۹). پژوهش‌ها (مؤمنی، کاووسی امید و امانی، ۲۰۱۶؛ مولیس، بریل اسفورد و مولیس، ۲۰۰۳) نشان داده‌اند که همبستگی خانواده می‌تواند تعهد زناشویی را پیش‌بینی کند. با توجه به یافته‌های ارائه‌شده و ملاحظات نظری، می‌توان پیش‌بینی کرد که ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی و انتظارات زناشویی با تعهد زناشویی رابطه دارند که این روابط در پژوهش حاضر در چهارچوب مدل علی مورد بررسی قرار گرفت. همچنین با استناد به یافته‌های پژوهشی می‌توان این فرض را مطرح کرد که یکی از متغیرهایی که ممکن است در این رابطه نقش واسطه‌ای داشته باشد، عملکرد خانواده است؛ بنابراین هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای عملکرد خانواده در رابطه‌ی بین ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی و انتظارات زناشویی با تعهد زناشویی بود. براین اساس سؤالات پژوهش بدین شرح آزمون شدند: (۱) آیا

1. Family function

2. Structural Equation Modeling (SEM)
3. Anderson & Gerbing
4. Chou & Bentler
5. Giles Giles
6. Basic Needs Satisfaction in General Scale (BNSG-S)
7. Family Assessment Device (FAD)
8. Marital Expectations Questionnaire (MEQ)
9. Marital Commitment Questionnaire (MCQ)

پرسشنامه‌ی انتظارات زناشویی

پرسشنامه‌ی انتظارات زناشویی امیدوار (۲۰۰۷) دارای ۳۲ گویه است که بر مبنای طیف ۵ درجه‌ای لیکرت از همیشه تا اصلاً نمره گذاری می‌شود (اصلاً = ۰، بندرت = ۱، گاهی = ۲، اغلب = ۳ و همیشه = ۴). حداقل نمره صفر و حداکثر ۱۲۸ است. به منظور تعیین روایی پرسشنامه از دو شیوه‌ی تعیین سازه‌های بنیادی و همبستگی درونی خرده‌مقیاس‌ها با نمره‌ی کل استفاده شد. برای تعیین سازه‌ها و عوامل بنیادی پرسشنامه، از تحلیل عاملی با چرخش متمایل استفاده شد که در نهایت ۳ عامل بر اساس ۳۷/۵ درصد واریانس های مجموع هشت عامل اول به دست آمد. براساس این پرسشنامه، ابعاد انتظارات زناشویی عبارتند از: انتظار از همسر به عنوان دوست و حامی (۷ گزاره)، انتظار از زندگی زناشویی (۱۱ گزاره) و انتظار از یک رابطه‌ی ایده‌آل (۱۴ گزاره). همبستگی تمام زیرمقیاس‌های استخراج‌شده با یکدیگر و به‌ویژه با نمره‌ی کل بالا و معنادار بود ($P < 0/01$) که حاکی از روایی بالای پرسشنامه است. به منظور تعیین پایایی پرسشنامه‌ی انتظارات زناشویی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از حیطه های فوق به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۸۰ و ۰/۹۱ و برای کل پرسشنامه ۰/۹۲ بود (امیدوار، ۲۰۰۷). در پژوهش حاضر پایایی این ابزار به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به دست آمد.

ابزار سنجش خانواده

ابزار سنجش خانواده را اپشتاین، بالدوین و بیشاب^۲ (۱۹۸۳) در ۶۰ سؤال تهیه کردند که هدف آن سنجیدن عملکرد خانواده بنا بر الگوی مک مستر است. این الگو خصوصیات ساختاری، شغلی و تعاملی خانواده را معین می‌سازد و شش بُعد از عملکرد خانواده شامل حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار را مشخص می‌کند. بنابراین ابزار سنجش خانواده متناسب با این شش بُعد، از شش خرده‌مقیاس برای سنجیدن آن‌ها، به علاوه ی یک خرده‌مقیاس هفتم مربوط به عملکرد کلی خانواده تشکیل شده است. در این پرسشنامه هر سؤال از ۱ تا ۴ و با استفاده از کلید کاملاً موافق = ۱، موافق = ۲، مخالف = ۳ و کاملاً مخالف = ۴ نمره گذاری می‌شود. نمرات بالاتر نشانگر کارکرد ناسالم خانواده است. ابزار سنجش خانواده با ضرایب آلفای خرده‌مقیاس‌ها از ۰/۷۲ تا ۰/۹۲ از همسانی درونی خوبی برخوردار است. همچنین ابزار سنجش خانواده دارای روایی پیش‌بین و هم‌زمان است (تثایی، ۲۰۰۰). در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ جهت بررسی پایایی آزمون ۰/۸۷ به دست آمد.

شرکت‌کننده در پژوهش به دلیل پاسخ ناقص به پرسش‌نامه‌ها از تحلیل‌های آماری کنار گذاشته شدند و به این ترتیب نمونه‌ی پژوهش به ۲۴۸ نفر تقلیل یافت. معیارهای ورود به پژوهش عبارت بودند از طول مدت ازدواج حداقل پنج سال، عدم ابتلا به بیماری خاص، عدم ابتلا به اختلالات روان‌شناختی و دارا بودن حداقل تحصیلات دیپلم. دامنه‌ی سنی شرکت‌کنندگان ۲۵ تا ۵۰ سال با میانگین ۳۳/۰۲ و انحراف استاندارد ۸/۱۱ بود. داده‌های پژوهش بر اساس شاخص‌ها و روش‌های آماری شامل میانگین، انحراف استاندارد، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر تحلیل شدند.

ابزار پژوهش

مقیاس ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی

مقیاس ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی (گنیه^۱، ۲۰۰۳) از ۲۱ گویه تشکیل شده است که ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی را در سطح عمومی مورد اندازه‌گیری قرار می‌دهد. گویه های آزمون، سه زیرمقیاس خودپیروی، شایستگی و تعلق را در اندازه‌های هفت‌درجه‌ای لیکرت از نمره‌ی یک (اصلاً درست نیست) تا نمره‌ی هفت (کاملاً درست است) می‌سنجند. نمره‌ی بالاتر در هر مقیاس بیانگر سطح بالاتر ارضای آن نیاز است. در پژوهش‌های خارجی، ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس ارضای نیازهای بنیادین در سطح عمومی به صورت مقدماتی مورد تأیید قرار گرفته است (به نقل از بشارت، رامش و رضازاده، ۲۰۱۵). ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه‌ی فارسی مقیاس ارضای نیازهای بنیادین در سطح عمومی در چندین پژوهش بررسی و تأیید شده است (بشارت، ۲۰۱۲). ویژگی‌های روان‌سنجی در نمونه‌ای متشکل از ۹۲۷ آزمودنی در دو گروه جمعیت عمومی ($n=530$ ، ۲۷۴ زن و ۲۵۶ مرد) و دانشجویان ($n=397$ ، ۲۱۶ دختر و ۱۸۱ پسر) مورد بررسی قرار گرفت. ضرایب آلفای کرونباخ نمره‌ی زیرمقیاس‌های خودپیروی، شایستگی و تعلق برای آزمودنی‌های جمعیت عمومی به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۹ و ۰/۹۲ و برای دانشجویان به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۸۷ و ۰/۹۱ محاسبه شد که نشان دهنده‌ی همسانی درونی خوب مقیاس هستند. ضرایب همبستگی بین نمره‌های تعدادی از آزمودنی‌های جمعیت عمومی ($n=127$) در دو نوبت با فاصله‌ی دو تا چهار هفته‌ای برای سنجش پایایی بازآزمایی محاسبه شد. این ضرایب برای زیرمقیاس‌های خودپیروی، شایستگی و تعلق به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۷۳ و ۰/۷۶ در سطح $P=0/001$ معنادار بودند که نشانه‌ی پایایی بازآزمایی رضایت‌بخش مقیاس است (بشارت و همکاران، ۲۰۱۵). در پژوهش حاضر پایایی مقیاس مذکور به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۷ به دست آمد.

2. Epstein, Bldwin, & Bishop

1. Gagne

پرسشنامه تعهد زناشویی

جدول ۱ نتایج تحلیل عاملی تأییدی متغیرهای عملکرد خانواده، تعهد زناشویی، نیازهای بنیادین روان‌شناختی و انتظارات زناشویی را نشان می‌دهد. نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که تمامی شاخص‌ها با متغیرهای مربوط به خود رابطه‌ی بالایی (۰/۴۳ تا ۰/۹۸) دارند و می‌توانند به میزان قابل توجهی (۰/۱۸ تا ۰/۹۶) تغییرات متغیر مربوط به خود را تبیین نمایند.

یافته‌ها

در جدول ۲ میانگین و انحراف استاندارد شرکت‌کنندگان و ضرایب همبستگی میان متغیرهای نیازهای بنیادین روان‌شناختی، انتظارات زناشویی، عملکرد خانواده و تعهد زناشویی ارائه شده است. بر اساس نتایج ارائه شده، مشاهده می‌شود که رابطه‌ی تعهد زناشویی با نیازهای بنیادین روان‌شناختی ($r = 0.40, P < 0.01$) و انتظارات زناشویی با معنادار ($r = 0.13, P < 0.05$) مثبت و معنادار و با متغیر عملکرد خانواده، منفی و معنادار ($r = -0.59, P < 0.01$) است. رابطه‌ی عملکرد خانواده با نیازهای بنیادین روان‌شناختی ($r = -0.58, P < 0.01$) منفی و معنادار بود ولی با انتظارات زناشویی ($r = -0.09, P > 0.05$) معنادار نبود. همچنین رابطه‌ی نیازهای بنیادین روان‌شناختی با انتظارات زناشویی ($r = 0.04, P > 0.05$) معنادار نبود.

این پرسشنامه توسط آدامز و جونز (۱۹۹۷) با هدف سنجش تعهد زوجین نسبت به همسر و ازدواج طراحی شده است. این پرسشنامه ۴۴ گویه دارد و بر اساس طیف لیکرت (کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) تنظیم شده است که به هر گزینه نمره‌ی ۱ تا ۵ تعلق می‌گیرد. نمره‌ی بالاتر در این مقیاس به معنای تعهد زناشویی بالاتر است. آدامز و جونز در شش پژوهش گوناگون به منظور به دست آوردن پایایی و روایی پرسشنامه، آن را بر روی ۴۱۷ نفر متأهل، ۳۴۷ نفر مجرد و ۴۷ نفر مطلقه اجرا کردند. در این مطالعات همبستگی هر سؤال با نمره‌ی کل آزمون، بالا و معنادار بود و به‌طور کلی، ابعاد این پرسشنامه از بیشترین حمایت تجربی و نظری برخوردار بود. آدامز و جونز میزان پایایی هر یک از زیرمقیاس‌های این آزمون را بر روی نمونه‌ی مذکور برای تعهد شخصی ۰/۹۱، تعهد اخلاقی، ۰/۸۹ و تعهد ساختاری ۰/۸۶ به دست آوردند. در پژوهش آدامز و جونز پایایی سؤالات پرسشنامه از طریق روش آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۹ به دست آمد. در اعتباریابی آزمون توسط شاه سیاه و همکاران (۲۰۰۹) روایی محتوا توسط اساتید مشاوره‌ی دانشگاه اصفهان تأیید شد و آلفای کرونباخ ۰/۸۵ به دست آمد. پایایی پرسشنامه‌ی مذکور در پژوهش حاضر به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۲ محاسبه شد.

جدول ۱. نتایج تحلیل عاملی تأییدی عملکرد خانواده، تعهد زناشویی، نیازهای بنیادین روان‌شناختی و انتظارات زناشویی

| شاخص | R ² | R | R ² | R | R ² | R | R ² | R |
|------|----------------|------|----------------|------|----------------|------|----------------|------|
| ۱ | ۰/۷۵ | ۰/۸۸ | ۰/۷۷ | ۰/۷۲ | ۰/۵۶ | ۰/۷۷ | ۰/۷۵ | ۰/۹۸ |
| ۲ | ۰/۷۴ | ۰/۹۱ | ۰/۸۳ | ۰/۵۶ | ۰/۵۴ | ۰/۸۳ | ۰/۷۴ | ۰/۸۳ |
| ۳ | ۰/۸۱ | ۰/۴۳ | ۰/۱۸ | ۰/۵۴ | ۰/۶۶ | ۰/۴۳ | ۰/۸۱ | ۰/۷۷ |
| ۴ | ۰/۷۳ | - | - | - | ۰/۵۳ | - | ۰/۷۳ | - |

جدول ۲. ضرایب همبستگی، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای نیازهای بنیادین روان‌شناختی، انتظارات زناشویی، عملکرد خانواده و تعهد زناشویی

| متغیرها | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
|------------------|---------|--------|---------|--------|
| نیازهای بنیادین | ۱ | | | |
| انتظارات زناشویی | ۰/۰۴ | ۱ | | |
| عملکرد خانواده | -۰/۵۸** | -۰/۰۹ | ۱ | |
| تعهد زناشویی | ۰/۴۰** | ۰/۱۳** | -۰/۵۹** | ۱ |
| میانگین | ۹۷/۹۷ | ۹۲/۵۰ | ۲۶/۳۱ | ۱۴۳/۶۸ |
| انحراف استاندارد | ۱۴/۷۵ | ۱۵/۲۲ | ۵/۰۸ | ۲۲/۴۹ |

** $P \leq 0.01$ * $P \leq 0.05$

جدول ۳. شاخص‌های برازش حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها

| شاخص برازندگی | x ² | p | df | x ² /df | GFI | AGFI | PNFI | NFI | NNFI | CFI | RFI | IFI | RMSEA |
|---------------|----------------|------|----|--------------------|------|------|------|------|------|------|------|------|-------|
| مدل پیشنهادی | ۱۴۲/۱۱ | ۰/۰۰ | ۵۹ | ۲/۴۰ | ۰/۹۲ | ۰/۸۷ | ۰/۷۱ | ۰/۹۴ | ۰/۹۵ | ۰/۹۶ | ۰/۹۲ | ۰/۹۶ | ۰/۰۷۶ |

در جدول ۴ ملاحظه می‌شود که نیازهای بنیادین روان‌شناختی هم به‌طور مستقیم ($\beta=0/15$, $P<0/05$) و هم به‌طور غیرمستقیم ($\beta=0/44$, $P<0/01$) بر تعهد زناشویی اثر معنادار داشته و اثر کل آن ($\beta=0/59$, $P<0/01$) قابل توجه بوده است. اثر انتظارات زناشویی بر تعهد زناشویی به‌طور مستقیم ($\beta=0/16$, $P<0/05$) معنادار بود ولی به‌طور غیرمستقیم ($\beta=0/08$, $P>0/05$) معنادار نبود و در کل ($\beta=0/24$, $P<0/01$) توانست بر تعهد زناشویی تأثیر معنادار داشته باشد. تعهد زناشویی از عملکرد خانواده ($\beta=-0/60$, $P<0/01$) اثر منفی معنادار پذیرفت. عملکرد خانواده تحت تأثیر مستقیم نیازهای بنیادین روان‌شناختی ($\beta=-0/74$, $P<0/01$) و انتظارات زناشویی ($\beta=-0/14$, $P<0/05$) قرار داشت.

جدول ۴. ضرایب استاندارد مسیرهای مستقیم، غیرمستقیم، کل و ضرایب تبیین مدل

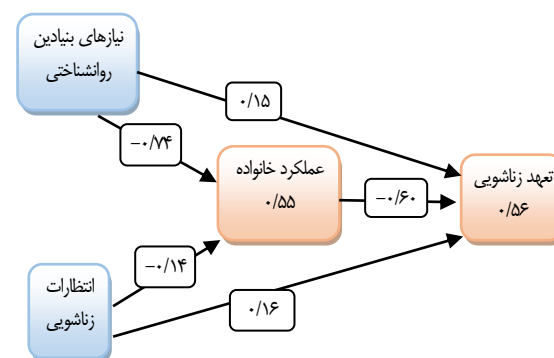
| مسیر | مستقیم | غیرمستقیم | اثر کل ضریب تبیین |
|-----------------------------|---------|-----------|-------------------|
| بر روی تعهد زناشویی از | | | ۰/۵۶ |
| نیازهای بنیادین روان‌شناختی | ۰/۱۵** | ۰/۴۴** | ۰/۵۹** |
| انتظارات زناشویی | ۰/۱۶* | ۰/۰۸ | ۰/۲۴** |
| عملکرد خانواده | -۰/۶۰** | - | -۰/۶۰** |
| بر روی تعهد زناشویی از | | | ۰/۴۰ |
| نیازهای بنیادین روان‌شناختی | ۰/۱۵* | ۰/۴۴** | ۰/۵۹** |
| انتظارات زناشویی | ۰/۱۶* | ۰/۰۸ | ۰/۲۴** |
| بر روی تعهد زناشویی از | | | ۰/۵۰ |
| عملکرد خانواده | -۰/۶۰** | - | -۰/۶۰** |
| بر روی عملکرد خانواده از | | | ۰/۵۵ |
| نیازهای بنیادین روان‌شناختی | -۰/۷۴** | - | -۰/۷۴** |
| انتظارات زناشویی | -۰/۱۴* | - | -۰/۱۴* |

** $P \leq 0/01$ * $P \leq 0/05$

به‌منظور بررسی معناداری نقش واسطه‌ای عملکرد خانواده، از آزمون سوبل^۹ (پریچر و لئوناردلی^{۱۰}، ۲۰۰۸) استفاده شد. با توجه به معناداری Z-value (۳/۴۸۳) در سطح اطمینان ۹۹٪ و مقدار آماره‌ی VAF^{۱۱} (تعیین‌کننده‌ی شدت اثر غیرمستقیم از طریق متغیر میانجی است) که ۰/۶۴ به دست آمد، می‌توان نتیجه گرفت که نقش واسطه‌ای عملکرد خانواده در رابطه‌ی بین نیازهای بنیادین روان‌شناختی و انتظارات زناشویی با تعهد زناشویی توسط شواهد تجربی تأیید می‌شود. در مدل پیشنهادی واریانس نمرات تعهد زناشویی از طریق متغیرهای نیازهای بنیادین روان‌شناختی، انتظارات زناشویی و عملکرد خانواده $R^2=0/56$ و از طریق عملکرد خانواده به‌تنهایی $R^2=0/50$ بود که به میزان قابل توجهی تبیین شد. دو متغیر نیازهای بنیادین روان‌شناختی و انتظارات زناشویی در مجموع توانستند

برای تعیین کفایت برازندگی الگوی پیشنهادی با داده‌ها، ترکیبی از شاخص‌های برازندگی مورد استفاده قرار گرفت. جدول ۳ شاخص‌های برازش الگوی پیشنهادی را نشان می‌دهد. همان‌طور که مندرجات جدول ۳ نشان می‌دهد، مربع کای ۱۴۲/۱۱ و نسبت مربع کای به درجه‌ی آزادی ۲/۴۰ محاسبه شد. میزان مؤلفه‌های شاخص برازندگی^۱ و شاخص برازندگی تعدیل‌یافته^۲ که باید بزرگتر از ۰/۸ باشد، در این مدل به ترتیب ۰/۹۲ و ۰/۸۷ به دست آمد. شاخص‌های برازش هنجار شده^۳، برازش تطبیقی^۴، برازش نسبی^۵ و برازش افزایشی^۶ که باید بزرگتر از ۰/۹ باشد، در این مدل به ترتیب ۰/۹۶، ۰/۹۲، ۰/۹۶ و ۰/۹۶ محاسبه شد. شاخص ریشه میانگین مربعات خطای برآوردی^۷ که حد مجاز آن کمتر از ۰/۰۸ است، در مدل تحت بررسی ۰/۰۷۶ برآورد شد. با توجه به شاخص‌ها و خروجی‌ها ملاحظه می‌شود که تمامی شاخص‌های برازش مدل در حد مطلوب می‌باشند؛ بنابراین می‌توان گفت که مدل فرضی از برازش نسبتاً خوبی برخوردار است. این شاخص‌ها نشان می‌دهند که در مجموع مدل ارائه‌شده، مدل مناسبی است و داده‌های تجربی به‌خوبی با آن منطبق هستند.

به‌منظور آزمون رابطه‌ی علی نیازهای بنیادین روان‌شناختی، انتظارات زناشویی، عملکرد خانواده و تعهد زناشویی از روش تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج مدل نهایی در تصویر ۲ نشان داده شده است.



شکل ۲. مدل نهایی مسیرهای آزمون شده به همراه آماره‌های پیش‌بینی استاندارد شده توجه: اعداد روی خطوط مسیر و داخل مستطیل‌ها به ترتیب، ضرایب بتا و ضرایب تبیین هستند.

جدول ۴ مسیرها و ضرایب استاندارد روابط مستقیم، غیرمستقیم و کل مدل را به همراه ضرایب تبیین که با توجه به روش برآورد حداکثر درست‌نمایی^۸ تأیید شده، نشان می‌دهد. با توجه به اطلاعات ارائه‌شده

1. Goodness of Fit Index (GFI)
2. Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)
3. Normed Fit Index (NFI) Normed Fit Index (NFI)
4. Comparative Fit Index (CFI) Comparative Fit Index (CFI)
5. Relative Fit Index (RFI) Relative Fit Index (RFI)
6. Incremental Fit Index (IFI) Incremental Fit Index (IFI)
7. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)
8. Maximum Likelihood Estimation (MLE)

9. Sobel Test Sobel Test
10. Preacher & Leonardelli
11. Variance Accounted For

۴۰ درصد ($R^2=0/40$) از تغییرات تعهد زناشویی را تبیین کنند. همچنین متغیرهای نیازهای بنیادین روان‌شناختی و انتظارات زناشویی توانستند ۵۵ درصد ($R^2=0/55$) از تغییرات عملکرد خانواده را تبیین کنند.

بحث

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌ای عملکرد خانواده در رابطه‌ی بین ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی، انتظارات زناشویی و تعهد زناشویی انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که بین ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی با عملکرد خانواده، رابطه‌ی منفی و معنادار وجود دارد. همچنین بررسی مسیرهای مدل نشان داد که نیازهای بنیادین روان‌شناختی هم به‌طور مستقیم و هم به‌طور غیرمستقیم و از طریق عملکرد خانواده بر تعهد زناشویی تأثیر می‌گذارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های پیشین (ایتو و ساگارا، ۲۰۱۶، به نقل از ملک آسا و همکاران، ۲۰۱۷؛ بهبهانی و زرگر، ۲۰۱۵؛ پاتریک، کنی، کانولو و لائزبری، ۲۰۰۷؛ رجبی، مومنی جاوید و جلوداری، ۲۰۱۷؛ لواندوسکی و اکرم، ۲۰۰۶) همسو است. نظریه‌ی خودتعیینی‌گری بر این باور است که در تمام انسان‌ها بسته به میزان ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی، روابط عاشقانه، رضایت‌بخش‌تر خواهند بود (لاگاردیا و پاتریک، ۲۰۰۸). وقتی فردی احساس کند که نیازهایش ارضا شده است، رضایت و تعهد بیشتری را تجربه می‌کند و پاسخ‌های سازگارانه‌تری را برای حل تعارض‌ها به کار می‌گیرد. به علاوه، احساس تعلق، ارتقابخش شکل‌های مختلف رفتارهای اجتماعی مانند کمک کردن و همکاری به‌قصد سود رساندن و تعهد است که باعث ارتقاء روابط زوجین نیز می‌شود (پاوی، گریتمیر و اسپارکس، ۲۰۱۱). افرادی که در روابطی قرار دارند که ارضاکنده‌ی سه نیاز بنیادین آن‌ها است، بیشتر خواهان ابراز احساسات خود هستند و با سهولت بیشتر به حمایت همسر خود می‌پردازند (لاگاردیا، ۲۰۰۷) و تعهد بیشتری را نشان می‌دهند (پاتریک و همکاران، ۲۰۰۷). در تبیینی دیگر، بر اساس نظریه‌ی خودتعیینی‌گری، روابط خانوادگی و محیط‌های اجتماعی پاسخگو و حمایت‌کننده، خودپیروی را تقویت می‌کنند. خودپیروی به‌نوبه‌ی خود، به سازگاری بهتر و سطوح بالاتر عملکرد روانی اجتماعی منجر خواهد شد (سوننس و ونستین کیست، ۲۰۱۰)؛ بنابراین، به نظر می‌رسد که ارضای نیازهای بنیادین خودمختاری، شایستگی و تعلق در افراد بتواند بر عملکرد خانواده تأثیر مثبت داشته باشد و از طریق بهبود عملکرد خانوادگی زوجین در افزایش تعهد زناشویی مؤثر باشد.

نتایج پژوهش همچنین نشان داد که مسیر مستقیم انتظارات زناشویی با تعهد زناشویی معنادار است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های پیشین (موسوی و دهشیری، ۲۰۱۵؛ میلر و تدر، ۲۰۱۱؛

ونیر و اسالیوان، ۲۰۱۷) هماهنگ و همسو است. به اعتقاد راسبالت (۱۹۸۰)، نظریه‌ی سرمایه‌گذاری مبتنی بر نظریه‌های وابستگی متقابل و مبادله اجتماعی است. در این مدل، تعهد بر مبنای میزان احساس دلبستگی فرد به همسر خود و علاقمندی به حفظ رابطه با وی، شکل می‌گیرد و در نتیجه، وابستگی متقابل زوجین به وجود می‌آید. بر اساس مدل سرمایه‌گذاری، تعهد توسط سه عامل احساس رضایت-وابستگی، کیفیت ارتباط با نفر دیگر و میزان سرمایه‌گذاری در رابطه با همسر، پیش‌بینی می‌گردد. زمانی که زوجین انتظارات یکدیگر را برآورده کرده و جنبه‌های مثبت رابطه‌ی آن‌ها بیش از جنبه‌های منفی باشد، احساس رضایت‌مندی بیشتری کرده و در نتیجه از تعهد و پایبندی بالاتری برخوردار می‌گردند. همچنین هنگامی که زوجین بر منابعی نظیر فرصت باهم بودن، عواطف و احساس‌های فی‌مابین و دارایی‌های مشترک، سرمایه‌گذاری بیشتری کنند و کیفیت ارتباط با نفر دیگر ضعیف باشد، احتمال تعهد و وفاداری به همسر افزایش می‌یابد.

بهمنظور ارائه‌ی تبیینی دیگر برای یافته‌ی مذکور، ونگلیسی و دالی (۱۹۹۷) دریافتند زمانی که انتظارات زناشویی فرد تحقق یابد، از رابطه رضایت خواهد داشت. برعکس، زمانی که انتظارات زناشویی تحقق نیابد، افراد عدم رضایت و دلسردی را در رابطه‌ی زناشویی تجربه خواهند کرد. فاور و همکاران (۱۹۹۶) نیز در پژوهش خود دریافتند که طلاق و جدایی زوج‌ها ناشی از فاصله‌ی بین انتظارات و تصورات آن‌ها از ازدواج و واقعیتی است که در یک رابطه‌ی زناشویی آن را تجربه کرده‌اند. همچنین با توجه به یافته‌های میلر و تدر (۲۰۱۱) افرادی که از پیش انتظار رابطه‌ی پاداش‌دهنده دارند، در صورتی از رابطه‌ی فعلی خود احساس رضایت می‌کنند که آن را برآورده‌کننده‌ی انتظارات پیشین خود بدانند؛ بنابراین می‌توان گفت که در صورت برآورده شدن انتظارات و توقعات، فرد خود را در موقعیت پاداش‌دهنده می‌بیند و تصور سود در زندگی زناشویی را خواهد داشت و در مقابل اگر این انتظارات، طبق آنچه که فرد انتظار داشته برآورده نشود، وی خود را زیان‌دیده می‌بیند. استمرار ناکامی و ناتوانی در تحقق انتظارات از زندگی مشترک موجب می‌شود که زوج‌ها از یکدیگر دلسرد شوند؛ به عبارت دیگر این دلسردی و ناامیدی زوج‌ها از همدیگر در برآورده کردن انتظارات، باعث بروز اختلافات و تعارض‌ها در زندگی زناشویی و در نهایت کاهش تعهد زناشویی می‌گردد.

علاوه بر این، نتایج مطالعه‌ی حاضر همسو با یافته‌های مطالعات مؤمنی و همکاران (۲۰۱۶)، گیورتر، سگرین و هانزال (۲۰۰۹)، مسترز (۲۰۰۸) و اشیمیت و همکاران (۲۰۱۶)، نشان داد که عملکرد خانواده بر تعهد زناشویی تأثیر دارد. بارکر و چانگ (۲۰۱۳) معتقدند چنانچه روابط زناشویی رابطه‌ای سست باشد، پایه‌های لازم برای موفقیت‌آمیز بودن و مطلوب بودن عملکرد خانواده، لرزان و یا حداقل ضعیف خواهد

بود؛ بنابراین عملکرد خانواده باید به گونه ای باشد که زوجین از روابط میان خود احساس رضایت کنند. درواقع آن‌ها باید نیازهای یکدیگر را ارضا نمایند و همدیگر را تصدیق و حمایت کنند. رابطه‌ی زناشویی باید بر اساس تعهد، اطمینان و احترام متقابل شکل گیرد؛ که در این امر عوامل عاشقانه و صمیمیت نیز دخالت دارند. علاوه بر این، زوجین باید بتوانند به موقع به حل تعارضات موجود بپردازند. پروندی، عارفی و مرادی (۲۰۱۶) و پرویزی، سربابی، سالمی و کلهری (۲۰۱۶) در پژوهش خود دریافتند که میان همه‌ی مؤلفه‌های عملکرد خانواده و رضایت زناشویی رابطه‌ی معنادار وجود دارد. بر این اساس می‌توان گفت که هر قدر زوجین در هریک از ابعاد عملکرد خانواده کارآمدتر عمل کنند، رابطه‌ی بهتر و منسجم‌تری را تجربه خواهند کرد که این امر خود منجر به رضایت زناشویی و در نتیجه افزایش تعهد زناشویی می‌شود.

یافته‌های پژوهش حاضر دارای تلوپحات کاربردی است. نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند در وهله‌ی اول مورد استفاده خانواده‌ها، مشاوران و درمانگران قرار گیرد. سیاست‌گذاران و نهادهایی که در امر ازدواج و خانواده دخیل هستند، نیز می‌توانند از نتایج حاصل از این پژوهش بهره‌مند گردند. نتایج این پژوهش نشان داد که ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی و انتظارات زناشویی به‌طور غیرمستقیم و از طریق تأثیرگذاری بر عملکرد خانواده بر تعهد زناشویی مؤثر است؛ بنابراین تدوین برنامه‌های آموزشی مناسب در چارچوب آموزش‌های پیش از ازدواج، توانمندسازی زوجین و مداخله‌های قبل از طلاق، در زمینه‌ی نحوه‌ی ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی و تعدیل و تحقق انتظارات زناشویی، می‌تواند به اصلاح و بهبود عملکرد خانواده کمک کند. از طریق فراهم کردن شرایطی در خانواده که در آن نیازهای بنیادین روان‌شناختی و انتظارات زناشویی مورد توجه قرار گیرد، می‌توان در افزایش تعهد زناشویی و در نتیجه کاهش خیانت و کنترل آسیب اجتماعی طلاق گام مؤثری برداشت و از این رهگذر به پایداری ازدواج و کیفیت زندگی زوجین کمک شایانی نمود.

به دلیل محدودیت‌های ناشی از نوع پژوهش و شیوه‌ی گردآوری داده‌ها که از نوع خودگزارش‌دهی بوده است، جامعه‌ی آماری و عدم کنترل متغیرهایی نظیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باید در تعمیم‌یافته‌های حاصل از آن جانب احتیاط را رعایت نمود. با توجه به این که فرهنگ و بافت ویژه‌ی هر جامعه از متغیرهای مهم مؤثر در تعهد زناشویی است، پیشنهاد می‌شود این متغیر در پژوهش‌های آتی مورد بررسی قرار گیرد.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

به‌منظور رعایت اصول اخلاقی، پیش از اجرای پژوهش تمامی شرکت‌کنندگان در جریان اهداف پژوهش قرار گرفتند و با رضایت کامل ابزارها را تکمیل نمودند. همچنین، به شرکت‌کنندگان در پژوهش اطمینان داده شد که تمامی اطلاعات آنان محرمانه خواهد ماند.

حامی مالی

این مقاله برگرفته از رساله دکترای نویسنده اول، گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر است و تمامی هزینه‌ها به عهده‌ی پژوهشگر بوده است.

مشارکت نویسندگان

تمامی نویسندگان در انجام این پژوهش مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع

بنا به اظهار نویسندگان هیچ تعارض منافی وجود ندارد.

References

- Abbasi Asfajir, A. A., & Ramezani L. (2017). The Relationship between Family Function and Marital Satisfaction with Marital Disaffection of Married Teachers in Behshahr. *Quarterly of Sociological Studies of Youth*, 8(24), 9-22.
- Adams, J. M., & Joens, W. H. (1997). The conceptualization of marital commitment: an integrative analysis. *Journal of Personality and Social Psychology*, 72(5), 1177-1196. [DOI:10.1037/0022-3514.72.5.1177]
- Anderson, J. C., & Gerbing, D. W. (1988). Structural equation modeling in practice: A review and recommended two-step approach. *Psychological Bulletin*, 103(3), 411-23. [DOI:10.1037/0033-2909.103.3.411]
- Arriaga, X. B., & Agnew, C. R. (2001). Being committed: Affective, cognitive, and conative components of relationship commitment. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 27(9), 1190-1203. [DOI:10.1177/0146167201279011]
- Barker, Ph., & Chang, J. (2013). *Basic Family Therapy*, Sixth Edition. John Wiley & Sons, Ltd. [DOI:10.1002/9781118624944]
- Behbahani, M., & Zargar, F. (2015). [Relationship between marital satisfaction, sexual tendency, income and long-term distance with marital commitment in staff away from the wife (Persian)]. *Contemporary Psychology*, 10, (Suppl.), 268-270.
- Besharat, M. A. (2012). [Psychometric properties of a Farsi version of the Basic Needs Satisfaction in General Scale in a sample of Iranian population (Persian)]. *Journal of Psycho sciences*, 11(41), 6-24.
- Besharat, M. A., Hooshmand, S. N., Rezaadeh, S. M. R., Lavasani, M. Gh. (2015). [The moderating role of basic psychological needs satisfaction on the relationship between parenting styles and children's marital satisfaction (Persian)]. *Journal of Family Psychology*, 2(1), 15-28.
- Besharat, M. A., Ramesh, S., Rezaadeh, S. M. R. (2015). [The moderating role of parental bonding on the relationship between basic psychological needs satisfaction and levels of marital adjustment (Persian)]. *Journal of Family Psychology*, 2(1), 15-28.
- Bravo, I. M., & Lumpkin, P. W. (2010). The complex case of marital infidelity: An explanatory model of contributory processes to facilitate psychotherapy. *The merican Journal of Family Therapy*, 38(5), 421-432. [DOI:10.1080/01926187.2010.522491]
- Chou, C. P., & Bentler, P. M. (1995). Estimates and tests in structural equation modeling. In R. H. Hoyle (Ed.), *Structural Equation Modeling: Concepts, Issues, and Applications* (pp. 37-55). Thousand Oaks: Sage Publications. [PMID]
- Clements, R., & Swensen, C. H. (2000). Commitment to one's spouse as a predictor of marital quality among older couples. *Current Psychology: A Journal for Diverse Perspectives on Diverse Psychological Issues*, 19(2), 110-119. [DOI:10.1007/s12144-000-1007-7]
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). The "what" and "why" of goal pursuits: Human needs and the selfdetermination of behavior. *Psychological Inquiry*, 11(4), 227-268. [DOI: 10.1207/S15327965PLI1104_01]
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2002). Overview of self-determination theory: An organismic dialectical perspective. In E. L. Deci & R. M. Ryan (Eds.), *Handbook of self-determination research* (pp. 3-33) New York: University of Rochester Press.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2011). Levels of analysis, regnant causes of behavior and well-being: The role of psychological needs. *Psychological Inquiry*, 22(1), 17-22. [DOI:10.1080/1047840X.2011.545978]
- Deci, E. L., La Guardia, J. G., Moller, A., Scheiner, M. J., & Ryan, R. M. (2006). On the benefits of giving as well as receiving autonomy support: Mutuality in close friendships. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 32, 313-327. [DOI:10.1177/0146167205282148] [PMid:16455859]
- Epstein, N. B., Baldwin, L. M., & Bishop, D. S. (1983). The McMaster Family Assessment Device. *Journal of Marital and Family Therapy*, 9, 171-180. [DOI:10.1111/j.1752-0606.1983.tb01497.x]
- Edjtehadi, M., & Vahedi, G. (2016). [Sociological study of the potential of infidelity in marital relations and its effective factors among public and private sector employees (Persian)]. *Iranian Sociological Association*, 17 (4), 105-138.
- Fowers, B. J., Montel, K. H., & Olson, D. H. (1996). Predicting marital success for premarital couple types based on prepare. *Journal of marital and family therapy*, 22(1), 103-119. [DOI:10.1111/j.1752-0606.1996.tb00190.x]
- Gagne, M. (2003). The role of autonomy support and autonomy orientation in prosocial behavior engagement. *Motivation and Emotion*, 27(3), 199- 223. [DOI: 10.1023/A:1025007614869]
- Giles, D. (2013). *Advanced research method in Psychology*. Routledge Press. [DOI:10.4324/9780203759851]
- Givertz, M., Segrin, C., & Hanzal, A. (2009). The association between satisfaction and commitment differs across marital couple types. *Communication Research*, 36(4), 561-584. [DOI:10.1177/0093650209333035]
- Habibi Askarabad, M. Hajiheydari, Z. (2015). [A Qualitative Study for Investigating the Reasons of Sexual Infidelity of Couples Who Have Asked for Divorce in Family Court (Persian)]. *Journal of Family Research*, 11(2) 165-186.
- Harmon, Kh. D. (2005). *Black men and marriage: the impact of spirituality, religiosity, and marital commitment on satisfaction* [PhD. dissertation]. University of Alabama.
- Hou, Y., Jiang, F., & Wang, X. (2018). Marital commitment, communication and marital satisfaction: An analysis based on actor-partner interdependence model. *International Journal of Psychology*, 1-8. [DOI:10.1002/ijop.12473][PMid: 29318606]
- Jalili Rad, S. A., & Mohammad Naemi, A. (2014). [The relationship of satisfaction basic psychological needs and self-centered cohesiveness with marital satisfaction in Sabzevar cultures (Persian)]. *Third National Conference on Mental Health and Wellness, Quchan: Islamic Azad University, Quchan Branch*.
- John, N. A., Seme, A., Roro, M. A., & Tsui, A. O. (2017). Understanding the meaning of marital relationship quality

- among couples in peri-urban Ethiopia. *Culture, Health & Sexuality*, 19(2), 267-278. [DOI:10.1080/13691058.2016.1215526] [PMid:27684713] [PMCID:PMC5525023]
- Koole, S. L., Schlinkert, C., Maldei, T., & Baumann, N. (2018). Becoming who you are: An integrative review of self-determination theory and personality systems interactions theory. *Journal of Personality*, Wiley Online Library. [DOI: 10.1111/jopy.12380] [PMid:29524339] [PMCID:PMC6378399]
- La Guardia, J. G. (2007). On the role of psychological needs in healthy functioning: Integrating a Self-determination theory perspective with traditional relationship theories. In J. V. Wood, A. Tesser, & J. Holmes (Eds.), *Self and relationships*. New York: Psychology Press.
- La Guardia, J. G., & Patrick, H. (2008). Self-determination theory as a fundamental theory of close relationships. *Canadian Psychology*, 49, 201-209. [DOI:10.1037/a0012760]
- Lawrence, E., Nysten, K., Cobb, R. J. (2007). Prenatal expectations and marital satisfaction over the transition to parenthood. *Journal of Family Psychology*, 21(2), 155-164. [DOI:10.1037/0893-3200.21.2.155] [PMid:17605538]
- Lewandowski, G. W & Ackerman, R.A. (2006). Something's Missing: Need Fulfillment and Self-Expansion as predictors of susceptibility to Infidelity. *The Journal of social Psychology*, 146(4), 389-403. [DOI: 10.3200/SOCP.146.4.389-403] [PMid:16894700]
- Macher, S. (2013). Social interdependence in close relationships: The actor-partner-interdependence-investment model (API-IM). *European Journal of Social Psychology*, 43(1), 84-96. [DOI:10.1002/ejsp.1926]
- Malek Asa, M., seyed Mousavi, P. S., Sadeghi, M. S., & Falahat Pishah, M. (2017). Determining the role of Interactive patterns and caregiving behaviors in predicting marital commitment. *Journal of Thought & Behavior in Clinical Psychology*, 11(44), 27-36.
- Masters, A. (2008). Marriage, commitment and divorce in a matching model with differential aging. *Review of Economic Dynamics*, 11(3), 614-628. [DOI: 0.1016/j.red.2007.08.005]
- Mc Nulty, J. (2007). Some married couples will do better by lowering Expectations. *National Institute of Mental Health*. <http://research.news.OSU/archive/marsatis.Htm>.
- Miller, J. and Tedder, B. (2011). *The Discrepancy between Expectations and Reality: Satisfaction in Romantic Relationships*. Hanover College, PSY 401: Advanced Research.
- Miller, L. W., Ryan, C. E., Keitner, G. I., Bishop, D. S. & Epstein, N. B. (2000). The Mc Master approach to families: Theory, assessment, treatment and research. *Journal of Family Therapy*, 22(2), 168-189. [DOI:10.1111/1467-6427.00145]
- Momeni, Kh., Kavooosi Omid, S., & Amani, R. (2016). [Predicting marital commitment on the basis of differentiation of self, family adaptability and cohesion, and marital intimacy (Persian)]. *Family Pathology, Counseling & Enrichment Journal*, 1(2), 46-58.
- Mosko, J. (2009). *Communication and attachment dimension's in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of philosophy*. Purdue University.
- Mousavi, S. F., & Dehshiri, Gh. (2015). [The role of Discrepancy between Expectations and Reality of marital relationship in marital satisfaction of married people in Tehran (Persian)]. *Quarterly Journal of Women's Studies Sociological Psychological*, 13(2), 93-110.
- Mullis, R. L., Brailsford, J. C., & Mullis, A. K. (2003). Relations between Identity formation and family characteristics among young adults. *Journal of family Issues*, 24(8), 966-980. [DOI:10.1177/0192513X03256156]
- Omidvar, B. (2007). [The Effect of Premarital Training on Marital Expectations and Attitudes of University Students in Shiraz (Persian)] [MA. Thesis]. Isfahan: University of Isfahan.
- Parvandi, A. Arefi, M., & Moradi, A. (2016). [The role of family functioning and couples communication patterns in marital satisfaction (Persian)]. *Family Pathology, Counseling & Enrichment Journal*, 2(1), 54-65. [DOI:10.4103/2395-2296.174792]
- Parvizi, F., Sarabi, P., Salemi, H. & kalhori, n. (2016). Predicting Marital satisfaction based on the role of family function and couples' communication patterns. *Journal of Research in the Nations*, 2(14), 111-125.
- Patrick, H., Knee, C. R., Canevello, A., & Lonsbary, C. (2007). The role of need fulfillment in relationship functioning and well-being: A self-determination theory perspective. *Journal of Personality and Social Psychology*, 92, 434-457. [DOI: 10.1037/0022-3514.92.3.434] [PMid:17352602]
- Pavey, I., Greitmeyer, T., & Sparks, P. (2011). Highlighting relatedness promotes prosocial motives and behavior. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 37(7), 905-917. [DOI: 10.1177/0146167211405994] [PMid:21521720]
- Preacher, K. J. & Leonardelli, G. J. (2008). "Calculation for the Sobel test: An interactive calculation tool for mediation tests". Retrieved from: <http://people.ku.edu/preacher/sobel/sobel.htm>. (8/10/2008).
- Rajabi, Gh., Momeni Javid, M., & Jelodari, A. (2017). Need-Fulfillment and Self-Expansion as Predictors of Marital Commitment among Students. *Jentashapir Journal of Health Research*, 8(1):e37016. [DOI:10.5812/jjhr.37016]
- Rusbult, C. E. (1980). Commitment and satisfaction in romantic associations: A test of the investment model. *Journal of Experimental Social Psychology*, 16(2), 172-186. [DOI:10.1016/0022-1031(80)90007-4]
- Sanai, B. (2000). [Scales of family and marriage measurement (Persian)]. Tehran: Besat publication.
- Schmidt, A. E., Green, M. S., & Prouty, A. M. (2016). Effects of parental infidelity and interparental conflict on relational ethics between adult children and parents: A contextual perspective. *Journal of Family Therapy*, 38(3), 386-408. [DOI:10.1111/1467-6427.12091]
- Shahsiyah, M., Bahrami, F., & Mohebbi, S. (2009). [Investigating the relationship between couples' sexual satisfaction and marital commitment in Shahreza city (Persian)]. *Scientific Journal of Fundamentals of Mental Health*, 11(43), 233-238.
- Sharp, E. A., & Ganong, L. H. (2000). Raising Awareness About Marital Expectations: Are Unrealistic Beliefs Changed by Integrative Teaching? *Family Relations*, 49(1), 71-76. [DOI: 10.1111/j.1741-3729.2000.00071.x]

- Sheldon, K. M., & Niemiec, C. P. (2006). It's not just the amount that counts: Balanced need satisfaction also affects well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, 91(2), 331- 341. [DOI:10.1037/0022-3514.91.2.331] [PMid:168 81768]
- Soenens, B., & Vansteenkiste, M. (2010). A theoretical upgrade of the concept of parental psychological control: Proposing new insights on the basis of self-determination theory. *Developmental Review*, 30(1), 74-99. [DOI:10.1016/j.dr.2009.11.001]
- Vangelisti, A. L., & Daly, J. A. (1997). Gender differences in standards for romantic relationships. *Personal Relationships*, 4(3), 203-219. [DOI:10.1111/j.1475-6811.1997.tb00140.x]
- Vannier, S. A. & O'Sullivan, L. F. (2017). Great expectations: Examining unmet romantic expectations and dating relationship outcomes using an investment model framework. *Journal of Social and Personal Relationships*. 35(8), 1045-1066. [DOI:10.1177/0265407517703492]
- Yoosefi, N., Karimipour, B., & Amani, A. (2016). [The study model of religious beliefs, conflict resolution styles, and marital commitment with attitudes toward marital infidelity (Persian)]. *Biannual Journal of Applied Counseling*, 6(1), 47-64.
- Zarei, S., & Hosseingholi, F. (2014). [The Prediction of Marital Commitment based on Self- Conscious Affects (Shame and Guilt) and Self-Differentiation among Married University Students (Persian)]. *Journal of family psychotherapy and counseling*, 4(1), 113-135.